

با توجه به وجود کار گروهی در شرکت‌های نرم افزاری، بعضی مواقع انتظاری از هر نوع به شما می‌رسد که ممکن است چالشی برای کارهای در دست انجام شما بوجود آورد. در این متن سعی شده این موارد بررسی و راه‌حلی برای حل مسأله‌ها آمیز آن پیشنهاد شود.

- در مواقعی که کار جدیدی به شما می‌رسد و برآوردی از زمان انجام آن ندارید قبل از دادن هر قولی زمان کوتاهی بین نیمروز تا 2 روز برای بررسی درخواست کنید که با توجه به اهمیت موضوع ممکن است در حد بیان شفاهی یک درخواست بماند و ادامه‌ای نداشته باشد.

- در زمانی که موارد زیاد کار جدید در پی هم به شما رسانده می‌شود قبل از انجام اگر اولویت بندی دارید طبق همان لیست کارتان را جلو ببرید و با توجه به اهمیت موضوعی، کار جدید بین کارها گنجانده شود البته برای پیشرفت بهتر کار وضعیتتان را به شخص درخواست کننده بطور اجمالی توضیح دهید و بنظر در این مواقع کمی هم چاشنی گرفتاری مناسب در توضیحاتتان بسیار کارآمد است.

- در بین توضیحات به شخص درخواست دهنده که معمولاً رئیس قسمت و یا مدیر پروژه است حتماً تصمیم‌گیری برای ترتیب و اهمیت کارها را به او بسپارید و لیست اولویت بندی جدید دریافتی را برای خودتان نگهدارید.

- هیچگاه خودتان را بیکار نشان ندهید، در خیلی از مواقع فرد مزاحم از کم کار بودن شما منظور تعداد کارهای در دست انجام به سراغ شما می‌آید. بگذارید مثالی برایتان بیاورم که در واقع خاطره‌ای از همکاران خودمان است. رئیس بخش به X می‌گوید که کارتان خیلی کم شده و ۷ را که نوع فعالیتش (شاید سخت‌افزاری که دائماً بین میزها و اتاقها جابجا می‌شود و یا یک کیس کامپیوتر را هم ممکن است جابجا کند) با شما (خاص پشت میز بنشینید و شروع به خلق قسم‌های مختلف نرم افزار کنید) سنخیتی ندارد را در کفه دیگر ترازو قرار می‌دهد، خوب X هم بعد از جابجایی بی‌مورد چند کیس به اتاقهای در دسترس از کسی بنقل از رئیس می‌شنود که شما یعنی X خیلی فعالیتتان زیاد است و دارید در این مجموعه سخت تلاش می‌کنید.

- همیشه دور و بر میز کارتان را از صندوق‌های اضافه خالی کنید و برای گوش کردن به فرد مزاحم ترجیح بدهید که او ایستاده باشد. و اگر بحث به نقطه‌هایی غیر از مسئولیت شما رسید و یا بی‌مورد ادامه دار شد بطوریکه مزاحم برنامه ریزی شما شد با عکس‌العملتان به فرد نشان بدهید که مزاحم شماست و کارتان در اهمیت بالاتری وجود دارد.

- همیشه در بیان و جواب درخواست‌ها از مکالمه بصورت زنده استفاده کنید و نه از ایمیل و یا یادداشت.

- در هنگام طولانی شدن صحبت با فرد مزاحم با تغییر در چهره مانند مالیدن چشم و یا مرتب کردن کاغذهای روی میز و نگاه کردن مدام به ساعت مچی و یا به حاشیه بردن صورت فرد در یک گراند نگاهتان با توجه خیلی بیشتر به صفحه نمایش اعلام کنید که دیگر بس است.

- اگر تا پیش از این به خلوت بودن میز کارتان اهمیت می‌دادید. مطمئن باشید با ادامه این رفتار کاغذهای میز شما را دیگران افزایش می‌دهند نه شما، پس بهتر است که شما کاغذها را آنقدرها هم کاهش ندهید و هر از چندگاهی هم کاغذها را بور بزنید.

- ما بیکار ننشسته ایم، چطور؟ بگذارید خاطره‌ای برایتان تعریف کنم. یکی از دوستان مسئول قسمتی از نگهداری سرورهای اداره ای را بر عهده گرفته بود و تقریباً در یک سیکل بر اساس شیفت، کابل شبکه سرور را بیرون میکشید همکار دیگر مبهوت میشد که این کار چه سودی دارد. به تلفنهای زیادی که زده میشد جواب در حال بررسی و حل مشکل هستیم داده میشد و در آخر این سوال چرا را با این جواب میداد " ما بیکار ننشسته ایم ". یعنی این تفکر باید خلق شود که شما دور از چشم دیگران هم بیکار

نیستید .

- بیشتر مواقع کاری که به شما ارجاع داده میشود بصورت باز است یعنی چه؟ کار بدون تعریف دامنه ارجاع میشود و بدین معناست که روی آن فکر نشده و فقط بیان یک نیاز(خیال) تبدیل به یک دستور کتبی شده است تا در حین کار باگها از بین برود و کار مناسب از آب بیرون بیاید. چکار باید کرد هیچوقت قول زمان را در حین توضیح و ارجاع کار به کسی ندهید زیرا با بررسی کار عمق فاجعه مشخص میشود و در آن زمان است که شما میتوانید با توجه به درکشان از مسئله حجم و زمانیکه به درخواست کنندنده میدهند او را نیز در نسبت به مسئله آگاه میکنید و با مشورت و مشارکت او تصمیم به انجام و یا ارائه زمانبندی بدهید.

- چرخ ساز نباشید، در حین دریافت نقش در تراژدی نرم افزار نویسی مواظب باشید که نقش گالیه و یا کریستف کلمب را بشما ندهند. ساخت سرویس و یا نوعی سند که مستندات غیر از چند سایت که فقط تعاریف را نشان میدهد و از توسعه خبری نباشد. چون بعد از زمانی که بر روی پروژه میگذارید شما قیّم آن نرم افزار میشوید و شکست کار شکست شماست.

- توضیح فنی ممنوع، شاید برای شما مهم باشد که از چه تکنیک و یا کتابخانه هایی استفاده میکنید ولی بالاتر از شما به این موضوع اهمیت میدهند که چند ساعت باز هم میگویم چند ساعت وقت برای آن کار صرف کرده اید. یعنی هرچه بیشتر شیفتگی خود را به کتابخانه های تسهیل کننده مانند افزونه هایی مثل ریشارپر نشان بدهید برای فرد مقابل که ممکن است یک برنامه نویس ADO.NET باشد شما به چشم یک کلاهبردار و یا سوء استفاده گر بنظر میایید.

اگر دوستان هم موردی مشابه را در نظر دارند لطفاً برای مشارکت در نظرات درج کنند.

پ.ن: با توجه به بعضی نظرات لازم میدونم اینو بگم که متن بالا در واقع تمثیل ادب از که آموختی بوده تا رواج بی ادبی. البته امیدوارم برداشت خواننده این نباشه که همه مجموعه رو باید سر کار گذاشت.

نظرات خوانندگان

نویسنده: پالادین
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۹:۵۵

بخشی از این توصیه‌ها کاملاً ماکیاولی وار بود!
به طور مثال مسئول شبکه می‌توانست به فکر ارتقا سیستم‌های سازمانش باشد تا اینکه کابل شبکه رو قطع کنه!

نویسنده: محمد رعیت پیشه
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۱:۱۶

من دقیقاً منظورتون رو از قسمت "ما بیکار ننشسته ایم" متوجه نشدم...میشه بیشتر توضیح بدید!
"- همیشه در بیان و جواب درخواست‌ها از مکالمه بصورت زنده استفاده کنید و نه از ایمیل و یا یادداشت."
فکر نمی‌کنید استفاده از بستری که به صورت مکتوب باشد بهتره؟

"چرخ ساز نباشید" رو هم لطفاً توضیح بیشتری بدید. در جایی که من هستم تقریباً هر کاری بهم سپرده میشه از طراحی بنر با فتوشاپ تا نوشتن RFP و آیا انجام چنین کارهایی اشتباه است؟ مگر در شرکت‌های نرم افزاری چقدر وظایف تفکیک شده هستند!؟

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۲:۱۵

در مورد «ما بیکار ننشسته ایم» واقعیت این است که کارهای برنامه نویسی یک سیستم بعد از یک مدت به پایان می‌رسند و مابقی آن نگهداری است. این فاز نگهداری آنچنان هیجان انگیز نیست. هر روز کار نداره. شاید هفته‌ای یکی دو تغییر اگر ارجاع شوند. اینطوری مدیر شرکت فکر می‌کنه داره زیادی حقوق می‌ده. چون شما که به ظاهر کاری نمی‌کنی. یا به همین دلیل (من دارم بهت حقوق می‌دم ...) اینقدر تغییرات بی‌ربط رو به سیستم تحمیل می‌کنه که دست آخر شیرازه سیستم از هم می‌پاشه. نمونه دیگرش بحث شبکه هست. کار شبکه که تموم شد، مگر مابقی آن چقدر کار دارد؟ حداکثر این است که یک نفر را بگذارند یوزر تعریف کند، دسترسی بدهد. همین. اینجا است که کار کارمندی با رویه کار IT آنچنان جور درنمی‌آید. ولی همین نگهداری سیستم هم کار هر کسی نیست. این رو هم خیلی‌ها نمی‌تونند درک کنند.

در کل به نظر من برنامه نویسی‌ها نباید خودشون رو درگیر کار کارمندی کنند تا بخواهند با این نوع مسایل سر و کله بزنند و اثبات کنند که وجودشان واقعا ضروری است و اگر در مورد آن‌ها هزینه‌ای انجام می‌شود، دور ریخته نشده.

[You're a Developer, So Why Do You Work For Someone Else](#)

نویسنده: افشار محبی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۲:۲۱

نوشته کمی بار منفی داشت. ولی در مواقع مثبت می‌تواند توصیه‌های مفیدی باشد.

نویسنده: مهدی پایروند
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۲:۴۶

ممنون از نظرتون، در کل هدف من برنامه نویسی‌ها بوده و منظورم از ما بیکار ننشسته ایم هم به افرادی است که بطور حرفه ای کار میکنند ولی چون تحرک فیزیکی ندارند از دید دیگران بیکار بنظر میان.
منظور از چرخ ساز هم کسی رو میگم که میخواد مسائل حل شده از قبل رو مثل ORM‌ها رو یک تنه حل کنه وبا نوشتن یک لایه پر از باگ تک نفره که خیلی از کارهای EF و یا NH را انجام نمیدهد خودش را در تثبیت کند [و چگونه کار برنامه نویسی خود را حفظ کنیم؟!؟](#)

نویسنده: مهدی پایروند
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۲:۴۷

این بار منفی برای درک و اهمیت مسائل مهم بود، افشار جان، ممنون

نویسنده: احسان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۳:۴۲

دل پری داری ولی فراموش نکن محل کار دانشگاه نیست ولی اگر به حد کافی ساکت باشی صدای کائنات را هم خواهی شنید!

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۳:۵۱

دقیقاً! ما نیز موافق هستیم: "تغییر در چهره"، "افزایش و بور زدن کاغذها"، "توضیح فنی ممنوع" و ... همینطوریش هم "برنامه نویس = جمع گریز و پرمدها"! کافیه اینکارها رو هم بکنیم، بشیم مصداق کامل شاهزاده ماکیاوولی:)

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۵:۱۴

گاهی وقتها مجبور میشی که اینکارها رو بکنی:

[If Architects Had to Work Like Web Designers](#)

نویسنده: علیرضا
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۵:۱۵

تقریباً با همه صحبت‌های دوستمون موافقم! راستش من بند بند این موارد رو تجربه کردم و در نهایت چیزی جز خستگی و بی انگیزگی در سال‌های گذشته برام نداشت.
ولی از زمانیکه موارد بالا رو رعایت میکنم تقریباً دردسرام خیلی کم شده مخصوصاً در ارگانهای دولتی.

نویسنده: ایمان محمدی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۵ ۰:۳۵

در دوره آن لاین و رایگان [مدیریت موثر زمان](#)، درس شماره ۳ "چگونه «نه» بگوییم؟!" دکتر عماد قائنی بصورت کاملاً کاربردی نه گفتن رو شرح داده است.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۳۰ ۹:۲۴

من به شخصه اصلاً در چنین محیط‌هایی حاضر نمیشم کار کنم. محیط‌هایی که بر مبنای تظاهر، تمارض، دروغ‌گویی و چاپلوسی شکل گرفته باشه با ذات من ناسازگار.

نویسنده: رحیم
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۳۰ ۱۰:۷

من دقیقاً با گفته‌های نویسنده این مطلب موافقم چون گفته‌های ایشان دقیقاً شرایط کاری بنده رو نشون می‌ده